نوبت به سئول رسید

با امضای توافقنامه جامع هسته‌ای میان تهران و گروه ۱ +۵ و استقبال کشورهای اروپایی و آسیایی برای بررسی گسترش همکاری‌ها با ایران، اینک نوبت کره‌جنوبی است که مقام‌های ارشد اقتصادی خود را در قالب هیات‌های جداگانه به تهران بفرستند. سفر مقام‌های کره‌ای به ایران در حالی صورت می‌گیرد که اوایل ماه جاری نیز شرکت پالایشگاهی «اس‌کی انرژی» کره‌جنوبی، به‌عنوان بزرگ‌ترین شرکت پالایش نفت آسیا، از برنامه‌ریزی این مجموعه برای گسترش همکاری‌های نفتی با ایران خبر داده بود. کره جنوبی، پنجمین واردکننده بزرگ نفت خام جهان و چهارمین اقتصاد برتر آسیاست. شرکت‌های پالایشی «اس‌کی انرژی» و «هیوندای اویل بانک» نفت مورد نیاز خود را از ایران تامین می‌کنند.

منهای نفت

حذف دلالان از بازار با رفع تحریم‌ها

بی‌شک یکی از بهترین خبرها برای صنعت نفت کشور، اعلام رفع تحریم‌ها، بلافاصله پس از اجرایی‌شدن توافقنامه هسته‌ای ایران با غرب است؛ موضوعی که بی‌شک از مهم‌ترین چالش‌های تاثیرگذار در فرآیند اقتصاد نفتی ایران در سال‌های اخیر بوده است.

خبر خوش‌تر آنکه نخستین پیامد رفع تحریم‌ها، حذف دلالان بین‌المللی از اقتصاد نفتی ایران است. به گفته مهدی شریفی‌نیک‌نفس، مدیرعامل شرکت بازرگانی پتروشیمی، پس از رفع تحریم‌ها، دلالان و واسطه‌ها از فرآیند صادرات حذف می‌شوند و به این ترتیب، پیش‌بینی می‌کنیم در کوتاه‌مدت و بین یک تا یک سال و نیم، میزان صادرات محصولات پتروشیمی کشور، ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش یابد.

این در حالی است که رفع تحریم‌ها می‌تواند زمینه گسترش صادرات محصولات پتروشیمی را فراهم کرده و با رفع موانع بانکی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل، شرایط صادرات تسهیل و هزینه‌ها کاهش قابل توجهی یابد.

در دوران تحریم به دلیل فراهم نبودن امکان گشایش «ال سی»، معاملات خارجی با ریسک بالایی انجام می‌شد، اما با رفع تحریم‌ها و ازسرگیری استفاده از «ال سی»، ریسک معاملات کاهش یافته و به تبع آن، میزان مراودات افزایش می‌یابد.

لازم به ذکر است که رفع تحریم‌ها، قدرت رقابت ما را در بازار افزایش می‌دهد و مزیت دیگر رفع تحریم‌ها برای صنعت پتروشیمی، استفاده از فاینانس و شتاب گرفتن روند تکمیل طرح‌های نیمه‌کاره است.

آذربایجان به جای ایران در قرارداد گازی با سوئیس

با وجود رفع تحریم‌های یکجانبه سوئیس علیه ایران و صنعت نفت و گاز این کشور، شرکت EGL سوئیس که پیشتر قراردادی ۲۵ ساله را برای خرید گاز از ایران با شرکت ملی گاز ایران بسته بود، اعلام کرد دیگر نیازی به ایران برای تامین گاز ندارد و از این پس تمام گاز خود را از آذربایجان تامین خواهد کرد.

این شرکت سال ۲۰۰۸، قراردادی برای دریافت سالانه ۵/۵ میلیارد مترمکعب گاز را به مدت ۲۵ سال با شرکت ملی گاز ایران به امضا رساند، اما با تشدید تحریم‌ها، شرکت در زمینه دسترسی به منابع گاز ایران با محدودیت‌هایی مواجه و در سال ۲۰۱۲، سهام آن به‌طور کامل از سوی شرکت «آکسپو» این کشور خریداری شد. آکسپو در راستای لغو قرارداد منعقد شده با ایران نیز سهمی پنج درصدی را در پروژه خط لوله «ترانس آدریاتیک» خریداری کرد که براساس پیش‌بینی‌ها در سال ۲۰۲۰، انتقال گاز آذربایجان را به این کشور آغاز خواهد کرد. توسعه خط لوله انتقال گاز «ترانس آدریاتیک» در فاز دوم توسعه میدان گازی شاه دنیز آذربایجان صورت خواهد گرفت. این خط لوله گاز را ابتدا به ترکیه و سپس به اروپا منتقل خواهد کرد. به‌طور کلی خطوط لوله موسوم به کریدور گاز جنوبی در سال‌های آینده به‌عنوان اصلی‌ترین منابع تامین گاز اروپا محسوب خواهند شد و اصلی‌ترین منبع تامین گاز این خط لوله‌ها نیز میادین گازی دریای خزر خواهند بود.

کارشناس موسسه «IIES» با اشاره به زمزمه بالا بردن ظرفیت صادرات نفت:

افزایش عرضه تنها چاره است

افزایش تولید نفت، به زیان بازار نیست

سمیلا زمانی
S.Zamani@fdn.ir

قرار داشتن منابع انرژی فسیلی ایران در ساحل خلیج‌فارس و در عین حال، بر دروازه‌های کریدورهای شمالی و جنوبی منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا، اروپا و آسیای میانه و عبور بیش از ۴۰ درصد منابع نفت و گاز جهان از خلیج‌فارس، ایران را در قلب هاب انرژی جهان قرار داده و دسترسی آن را به بازارهای جهانی، سهل و آسان کرده است. به همین دلیل، تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، تحریم‌کنندگان را نیز در موقعیتی نامناسب قرار داد. به باور برخی کارشناسان، تحریم‌های غرب بیش از آن که برای ایران زیانبار باشد، شرکت‌های غربی و به‌ویژه آمریکایی را از یکی از بازارهای شیرین و سودآور خاورمیانه محروم ساخت. مرتضی بهروزی‌فر، تحلیلگر بازار نفت و کارشناس موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی معتقد است که این محرومیت دوطرفه بوده و ایران نیز از برخی تکنولوژی‌ها که خاص شرکت‌های آمریکایی است، محروم مانده است و اکنون هر دو طرف برای بازگشت به دوران قبل از تحریم‌ها و ورود نفت باکیفیت ایران به بازار، باید تلاش کنند، هرچند نباید «سونامی» ورود غول‌های نفتی، مدیران را از انتخاب برترین‌ها غافل کند.

!!!

در دیداری که چندی پیش عبدالله البدری، دبیرکل اوپک با الکساندر نواک، وزیر انرژی روسیه داشت، صحبت جالبی درباره ورود نفت ایران و استقبال اعضای اوپک از این ورود، از سوی البدری مطرح شد که به نوبه خود می‌توانست این اطمینان را بدهد که بازار پذیرای نفت ایران است. نظر شما در این مورد چیست؟

ایران اگر بخواهد به‌عنوان یک کشور صادرکننده نفت مطرح باشد، چاره‌ای جز عرضه بیشتر نفت به بازار جهانی ندارد. یعنی نه‌تنها باید به ۳/۸ میلیون بشکه ظرفیت تولید قبل از تحریم‌ها و صادرات روزی ۲/۵ میلیون بشکه برسد، بلکه اعتقاد من این است که برنامه‌ای که آقای زنگنه دارد و می‌خواهد ظرفیت تولید را با میعانات گازی به ۵/۹ میلیون بشکه در روز برساند، باید اجرایی شود. ایران چاره‌ای به غیر از تزریق نفت خود به بازار ندارد، حتی به قیمت کاهش بهای جهانی نفت.

شما تصور کنید که صادرات ایران الان چیزی حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز است و این رقم اگر بخواهد دو برابر شود حتی به اعتقاد من، اگر قیمت نصف هم شود که امکان ندارد با یک میلیون بشکه نفت اضافی در بازار، قیمت‌ها نصف شود، باز هم درآمد اصلی ایران تغییر نمی‌کند، ولی در عوض، جایگاه بالاتری در بازار جهانی نفت پیدا خواهد کرد، چون ما می‌دانیم این ظرفیت تولید و میزان بشکه‌های نفتی که روانه بازار می‌شود، تعیین‌کننده قدرت شما برای چانه‌زنی در اوپک و دیگر مجامع جهانی است. بنابراین وقتی تعداد بشکه‌های شما کم است، حرفی برای گفتن ندارید. مثلا کل تولید ایران تا قبل از تحریم ۲/۵ میلیون بشکه بود که به راحتی می‌تواند با ظرفیت مازاد عربستان جایگزین شود ولی اگر شما به یکباره پنج تا شش میلیون بشکه صادرات داشته باشید، از آن طرف هم یکسری خطوط ترانزیت و تجارت نفت و گاز از داخل کشور شما صورت گیرد، دیگر عملا نمی‌توانند به راحتی شما را تحریم کنند و کنار بگذارند.

> این «انتخاب» ایران نیست بلکه «اجبار» است. ایران باید وارد بازار شود و بازار هم باید به ایران جواب دهد. چاره‌ای به غیر از این نیست. حالا اگر دوستان می‌خواهند قیمت پایین نیاید، باید تولید خود را محدود کنند چون افزایش تولید ایران و کاهش قیمت‌ها، به ضرر ایران نخواهد بود

در واقع این صحبت آقای البدری را به نوعی می‌توان نظر اوپک به حساب آورد یا اینکه نشانه چیز دیگری است؟

خیر، الزاما این دو با هم یکی نیست. اصلا می‌تواند نظر دبیرکل اوپک با نظر اوپک تفاوت داشته باشد، چون همان‌طور که می‌دانید در اوپک تصمیمات به صورت اجماع و با رأی هر ۱۲ نفر است و برای هر تصمیم اوپک، باید هر ۱۲ کشور عضو به آن رای موافق دهند. حتی یک کشور کوچک مثل قطر می‌تواند کل تصمیم را وتو کند. این نظر ایشان است چون می‌داند که این «انتخاب» ایران نیست بلکه «اجبار» است. ایران باید وارد بازار شود و بازار هم باید به ایران جواب دهد. چاره‌ای به غیر از این نیست. حالا اگر دوستان می‌خواهند قیمت پایین نیاید، باید تولید خود را محدود کنند چون افزایش تولید ایران و کاهش قیمت‌ها، به ضرر ایران نخواهد بود. این نظر من است.

نظر شما به‌عنوان یک کارشناس نفتی در مورد بازگشت شرکت‌های خارجی به پروژه‌های نفت و گاز ایران چیست؟ مثلا در همین پارس جنوبی، بحث بر سر این بود که «توتال» آن زمان هم به نفع قطر در زمینه برداشت از میادین مشترک کار می‌کرده، حال نظر شما در مورد هجمه این شرکت‌ها به ایران و مشارکت آنها در پروژه‌ها چیست؟

اولا که من دقیقا نمی‌دانم این ادعا تا چه حد قابل اثبات است و مساله مهم‌تر آنکه هر کارشناس یا متخصصی وقتی می‌خواهد میدانی را برای اکتشاف و توسعه دست دیگران (خارجی‌ها) بسپارد، باید قبل از آن، خودش یک بررسی روی آن داشته باشد. شرکت‌های معتبر و معظمی در دنیا هستند که کار آنها ارزیابی منابع و مخازن نفت و گاز است. بنابراین عاقلانه آن است که قبل از شروع به هر اقدامی، کشور بیاید و داشته‌های خود را بررسی کند. شما باید بدانید که چه چیزهایی دارید. باید حداقل بدانید چه چیزی و چه مقداری می‌خواهید از آن مخزن به دست آورید، با چه شرایطی، نمودار تولید آن به چه صورت خواهد بود و...

این اطلاعات را باید به صورت مکتوب به دست شرکتی بدهیم که وظیفه توسعه و اکتشاف میدان را برعهده دارد. زمانی که چشم بسته چیزی را به دست افرادی دهید، خیلی دور از ذهن نیست که بخواهند سرتان را کلاه بگذارند. این اتفاق کاملا طبیعی است. ولی مساله اصلی این است که ما باید روندی را در پیش گیریم که یک ارزیابی از مخازن و میادین مشترک و غیرمشترک، چه داخلی چه خارجی، چه آنها که قرار است توسعه یابد و چه آنها که در حال توسعه هستند، به دست آوریم.

نظر شما درباره هجوم شرکت‌های اروپایی به ایران، چیست؟ این مساله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چون بسیاری از دوستان این مورد را مطرح می‌کنند که به اصطلاح از «هول حلیم، نباید در دیگ افتاد» و چرا دوباره به چینی‌ها اعتماد می‌کنیم، در حالی که به بدترین شکل با ما برخورد کردند؟

من کلا از مسائل پشت پرده خبر ندارم. به‌عنوان مثال ما ۵۰ میلیون دلار پول آنجا داریم که می‌گویند به شما نمی‌دهیم، مجبورید خدمات ما را بردارید و ببرید. شاید من هم اگر جای مدیران بودم، می‌گفتم خب به جای آن، هواپیما می‌خرم. ولی اگر بخواهیم عقلایی برخورد کنیم، مسلما نباید حتی با شرکت‌های اروپایی هم وارد مذاکره شویم. وقتی شرکت‌های آمریکایی با این فناوری بالا وجود دارند، حتی باید دور شرکت‌های اروپایی را هم خط بکشیم. وقتی ما امکان جذب «شورون» و «کونوکو فیلیپس» را داریم، اصلا نباید با «توتال» حرف بزنیم.

نه اینکه با آن حرف نزنیم ولی وقتی «شورون» را می‌توانید بیاورید، باید «توتال» را در اولویت بعدی خود قرار دهید.

فقط به خاطر تکنولوژی و فناوری بالا و پیشرفته آنها؟

حتما. به هرحال شما در هر موردی، حتی تعمیر یک قطعه ساده در منزل، اگر آن را به یک تعمیرکار مجرب بدهید، خیال‌تان راحت‌تر است تا اینکه آن را به دست کسی دهید که با کار برای شما، قرار است اوستا شود. چینی‌ها هنوز تکنولوژی این کار را ندارند. حتی روس‌ها هم ندارند. اروپایی‌ها نیز در این مساله، تازه در ابتدای راه هستند. شما مقایسه کنید وقتی در آمریکا دو هزار دکل فعالیت می‌کند، در کل اروپا، تنها ۷۰ دکل در حال فعالیت است. بنابراین اگر امکانش وجود داشته باشد، باید از شماره یک شروع کنیم و به سمت انتهای جدول برویم.

اکنون وضعیت میادین به چه صورت است؟ آیا باید بیشتر، اولویت به میادین مشترک داده شود یا توسعه همان میادین قدیمی؟

وقتی شما به اندازه کافی سرمایه و تکنولوژی و نیروی کار و... دارید، می‌توانید تمام میادین را با هم توسعه دهید، ولی زمانی که در یکسری چیزها محدودیت دارید که حتما دارید، چون بدون تردید در دوران پس از تحریم هم شما محدودیت خواهید داشت، اولویت عقلایی و منطقی شما این است که بروید مخازن مشترکی را توسعه دهید که در سال‌های گذشته، دیگران برداشت کرده، برده و تخلیه کرده‌اند.

می‌دانید که موضوع مربوط به ۲، ۳ سال پیش بود که قطر فقط از لایه نفتی پارس جنوبی، یک میلیارد بشکه برداشت کرده بود، در عوض می‌توان گفت که ما از آن هیچی برداشت نکردیم. ما الان باید بدویم که به چند سال پیش آنها برسیم.

تاثیر ورود نفت ایران بر قیمت‌ها

مرتضی بهروزی‌فر، کارشناس موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی معتقد است ایران به محض اینکه تصمیم بگیرد تولید خود را افزایش دهد، قیمت‌ها سیر نزولی به خود خواهد گرفت. ولی قاعدتا نباید کاهش قیمت‌ها خیلی چشمگیر باشد، چراکه عرضه نفت ایران به بازار، قرار نیست در کوتاه‌مدت آنقدر زیاد باشد. ظرف یک سال، نهایتا بخواهد یک تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه به بازار اضافه کند که این مقدار بر قیمت‌ها تاثیر خواهد گذاشت ولی تاثیر آن آنقدر سریع نخواهد بود که بازار بخواهد از آن بترسد یا بخواهد به آن عکس‌العمل سریع نشان دهد. وی در این باره قاطعانه می‌گوید: «از نظر من، به‌عنوان یک کارشناس و تحلیلگر بازار نفت، هر اتفاقی که الان بخواهد رخ دهد، قابل توجیه است و ایران باید آن را انجام دهد. یعنی برای ایران، این یک «انتخاب» نیست، بلکه یک «اجبار» است.»

دریچه

مدیر بین‌الملل شرکت ملی گاز ایران خبر داد

نهایی شدن قرارداد عملیاتی صادرات گاز به عراق

چندی پیش، هیاتی عراقی با اولویت نهایی‌سازی قرارداد صادرات گاز، به ایران آمد تا درباره مذاکراتی که از مدت‌ها پیش آغاز شده و به دلیل تحریم‌ها، نیمه‌کاره مانده بود، کار را به انجام برساند.

آن زمان، حمیدرضا عراقی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، عملیاتی کردن موارد فوق را، مقدمه‌ای برای آغاز صادرات گاز به این کشور عنوان کرده و گفته بود عملیات آزمایش خط لوله صادرات گاز به عراق روزهای پایانی خود را طی می‌کند و پس از نهایی شدن این پروژه، صادرات گاز به عراق آغاز می‌شود.

اکنون به گفته عزیزالله رمضانی، مدیر بین‌الملل شرکت ملی گاز ایران، پیش‌نویس قرارداد عملیاتی صادرات گاز به عراق طی مذاکرات سه روزه هیات عراقی و ایرانی تنظیم و نهایی شد. براساس قرارداد، ارسال گاز به عراق با حجم روزانه چهار میلیون مترمکعب آغاز می‌شود و به تدریج براساس برنامه زمان‌بندی تا ۲۵ میلیون مترمکعب در روز افزایش می‌یابد.

در این باره، علیرضا غریبی، مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران نیز پیشتر گفته بود که آزمایش خط لوله ۱۰۰ کیلومتری صادرات گاز به عراق (از چارملـه تا نفت شهر در مرز ایران و عراق) پایان یافته و این خط لوله تا پایان مرداد برای ارسال گاز آماده می‌شود.

به گفته رمضانی، آموزش نفرات فنی، مالی و اجرایی کشور عراق توسط طرف ایرانی از دیگر مواردی است که در این مذاکره‌ها مورد توافق قرار گرفت که براساس توافق و برنامه زمان‌بندی، اجرا می‌شود.

زیرساخت‌های صادرات گاز ایران کمتر از یک ماه آینده آماده تحویل گاز به عراق است.البته گفته‌شده براساس اصول قرارداد، قیمت گاز از موارد محرمانه است، اما با توجه به روال موجود، قیمت‌های گاز منطقه‌ای بوده و منافع دو کشور را در پی دارد و قابل رقابت با سایر منابع است.

این در حالی است که هنوز طرف عراقی زمان قطعی دریافت گاز را اعلام نکرده و هیات عراقی امیدوار است که پس از بازگشت به این کشور، با تسریع در زیرساخت‌های خود، برنامه زمان‌بندی خود را برای دریافت گاز اعلام کنند.

صادرات گاز به عراق از دو محور نفت‌شهر و بصره برای مصارف نیروگاه‌های بغداد و بصره مورد تقاضای عراق بوده که در حال حاضر، قرارداد صادرات گاز به بغداد نهایی و قرارداد صادرات گاز به بصره نیز در آینده نزدیک نهایی می‌شود.

ایستگاه

جهان در التهاب نفت شناور ایران

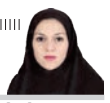

صفیه رحمانی
S.rahmani@fdn.ir

در بازار نزار نفت خام که قیمت هر بشکه از طلای سیاه به کمترین میزان طی ۶/۵ سال گذشته و زیر ۴۵ دلار رسیده است، هرگونه خبر و درز اطلاعاتی موجب نگرانی و آشفتگی تازه‌ای می‌شود. اکنون با گذشت بیش از یک ماه از توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۱+۵، موضوع انباشت‌های نفتی ایران در تانکرهای شناور بر دریا، موضوعی است که التهاب روانی زیادی در بازار ایجاد کرده و از آنجا که مقامات تهران هنوز اظهارنظر مستقیمی درباره برنامه خود برای ارائه این نفت خام به بازار نداشته‌اند، گمانه‌زنی‌ها و برآوردها براساس ارقام موجود و سناریوهای محتمل، همچنان ادامه دارد. وب‌سایت اقتصادی CNN.Mony در یک گزارش تحلیلی به این موضوع و حواشی آن پرداخته است که نشان می‌دهد حتی تحریم‌های چندساله و دور افتادن ایران از بازارهای نفت خام نیز نتوانسته است از اهمیت کشور در حوزه انرژی جهان بکاهد. یکی از اسرارآمیزترین مسائل حال حاضر جهان انرژی این است که ایران چه میزان نفت خام در دریا انبار کرده است. به‌دنبال توافق هسته‌ای که میان ایران و غرب به امضا رسید، این احتمال وجود دارد که ایران انباشت‌های میلیون بشکه‌ای نفت خام خود را به بازاری که هم‌اکنون هم از مازاد عرضه در رنج است سرازیر کند و قیمت‌های کمیته فعلی را از ۴۳ دلار نیز پایین‌تر ببرد. در این میان ایران مدعی شده است که هیچ نفتی درخلیج فارس ذخیره نکرده است، اما این ادعا از سوی هیچ منبع دیگری تایید نشده است. موسسه «ویندوارد» که کارش ردیابی و نظارت بر شناورهای نفتی است و در اسرائیل مستقر است، اطلاعات جامعی از انواع شناورها و توان حمل نفت آنها دارد که حتی شامل شناورهایی که موقعیت و وضعیت خود را اعلام نمی‌کنند نیز می‌شود. بر اساس آخرین اعلام این موسسه، ایران حدود ۵۰ میلیون بشکه نفت خام در شناورهای خود در خلیج‌فارس دارد که این میزان از آوریل ۲۰۱۴ (فروردین ۱۳۹۳) که این موسسه کار ردیابی و نظارت بر این ذخایر را آغاز کرده، ۱۵۰ درصد افزایش داشته است.

> یکی از اسرارآمیزترین مسائل حال حاضر جهان انرژی این است که ایران چه میزان نفت خام در دریا انبار کرده است به‌دنبال توافق هسته‌ای که میان ایران و غرب به امضا رسید، این احتمال وجود دارد که ایران انباشت‌های میلیون بشکه‌ای نفت خام خود را به بازاری که هم‌اکنون هم از مازاد عرضه در رنج است سرازیر کند و قیمت‌های کمیته فعلی را از ۴۳ دلار نیز پایین‌تر ببرد

نفت ایران آماده بارگیری است

شواهد و قرائن دیگری نیز برای ذخایر نفتی ایران وجود دارد که این نگرانی را ایجاد می‌کند که پس از برداشته شدن تحریم‌های یکجانبه نفتی علیه ایران، این کشور با سرازیر کردن سیل این ذخایر، بازار متزلزل نفت خام را که این روزها از کاهش تقاضا، مازاد عرضه و مشکلات اقتصادی چین رنج می‌برد، به‌شدت تغییر خواهد داد. تام کلوزا، سرپرست بخش تحلیل نفت در موسسه اطلاعات قیمت نفت، دراین‌باره گفت: «ایران به محض آزاد شدن تجارت نفت، این انباشت خود را به بازار خواهد فرستاد تا نیاز مالی‌ای که دارد، رفع کند.» اهمیت این انباشت‌های نفتی از این جهت است که در تانکرهای شناور روی دریا ذخیره شده‌اند و در چشم به‌هم‌زدنی با یک تماس، به سوی مقصد حرکت خواهند کرد تا به مشتری – مثلا در آسیا– تحویل داده شوند، چراکه این نفت قبلا استخراج، فرآوری و بارگیری شده و آماده استفاده است. تامار اسنر، یکی از تحلیلگران مشورتی «نصدق» در این‌باره گفت: «تلاش ایران برای کمتر جلوه دادن ذخایر خود، از این جهت است که این کشور نمی‌خواهد با ذخایر نفتی خود موجب وحشت بازار (و افت قیمت شدیدتر) شود.»

توافق هسته‌ای، کلید آینده صنعت نفت ایران

اگرچه تهران راه نه‌چندان آسانی تا رها شدن کامل از تحریم‌ها در پیش دارد و برای رفع کامل محدودیت‌های تجاری باید راستی‌آزمایی‌هایی را بپذیرد، برآورد می‌شود این کشور در صورت اجرای درست توافق، تا نیمه سال ۲۰۱۶ (تابستان ۱۳۹۵) می‌تواند ۳۷۵ تا ۵۰۰ هزار بشکه نفت به تولید روزانه خود و ورودی بازار جهانی بیفزاید. براساس آخرین گزارش آربی‌سی ایران و آینده صنعت نفت این کشور پس از رفع تحریم‌ها، پاشنه‌ای است که آینده بازار نفت بر آن می‌چرخد و برخلاف اغلب تولیدکنندگان عضو اوپک، این کشور آینده‌ای روشن از این نظر در پیش‌رو دارد.

گمانه‌زنی‌ها درباره ایران ادامه دارد

احتمال و تقریب‌ها درباره انباشت‌های نفتی ایران همچنان وجود دارند و در کنار ویندوارد که برآورد ۵۰ میلیون بشکه‌ای از ذخایر ایران دارد، موسسه Platts نیز در برآورد خود تجدیدنظر کرده و آن را از رقم ۴۰ تا ۴۲ میلیون بشکه به ۵۳ میلیون بشکه افزایش داده است. این موسسه بازبینی خود را پس از آن انجام داد که یکی از شناورهای نامرئی شده وزارت نفت ایران ردیاب خود را دوباره روشن کرد. این شناور که از سپتامبر گذشته (شهریور۱۳۹۳) پس از پهلو گرفتن در بندر عسلویه از دید جهانی خارج شده بود، اکنون دوباره با انباری پر بازگشته است، اما سه شناور نامرئی شده دیگر همچنان از دید خارج هستند و برآورد می‌شود در همان بندر متوقف شوند. ایران تنها کشوری نیست که چنین پرده‌پوشی‌هایی دارد و تقریبا تمام کشورهای تولیدکننده نفت، آمار و ارقام واقعی خود را محرمانه نگه می‌دارند. از آن‌جا که بانک‌های اطلاعاتی جهانی، براساس اعلام رسمی دولت‌ها تشکیل می‌شود، این آمار همواره با واقعیت‌ها در تضاد مثبت و منفی هستند و هیچ کشوری وضعیت شفاف و قابل استنادی از صنعت نفت خود ارائه نمی‌دهد. از سوی دیگر، وینوارد یکی از موسساتی است که اطلاعاتش را در اختیار سرویس‌های جاسوسی و امنیتی قرار می‌دهد تا آنها به‌اصطلاح در «مبارزه با تروریسم» و «قاچاق» از آن استفاده کنند، که این امر نیز دلیل بیشتری برای پنهان‌کاری کشورها به‌دست می‌دهد. آمار درست نفت ایران هرچه که باشد، باید صبر کرد و دید که این کشور قصد دارد از این انباشت استراتژیک خود چگونه و با چه رویکردی بهره‌برداری کند.